

بخشوده درس:

حقوق جزای عمومی ۱

کرد آورنده:

جناب آقای فرسادارایی

موسسه آموزش عالی فروردین قائم شهر

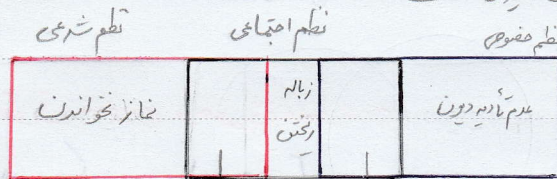
حقوق و جزای عمومی تقسیم می شود به: ۱- جرم ۲- مجرم ۳- مجازات

تعریف جرم ← فعل یا ترک فعل که جامعه آن را به دلیل اخلال در نظم اجتماعی به قصد ضمانت اجرای کیفری منع کرده است. [مقتضای آنست که نظم اجتماعی را بهم می زند و در قانون برای آن مجازات تعیین شود]

قانون ← قانون چیزی است که فقط توسط مجلس شورای اسلامی تصویب می شود.
مقررات ← مجموعه ای از آیین نامه ها و بخش نامه ها گفته می شود.

نکته: قانون بر اساس سیاست های نظام نوشته می شود.

نظم اجتماعی ← یک اصطلاح نسبی است بین نظم اجتماعی در ایران دارای یک معنا و در کشور دیگر دارای معنای دیگری است.



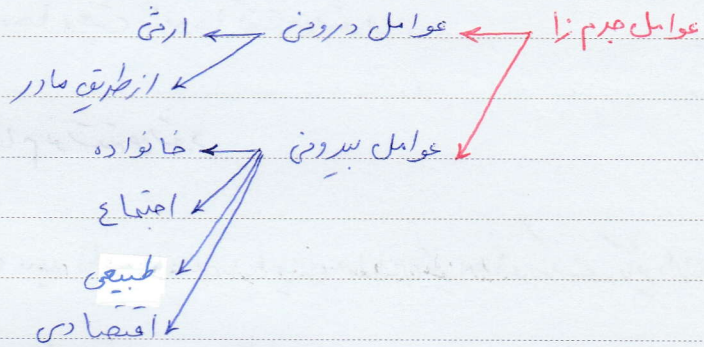
ترک تعهد همسر به همراه حمل مالی شودت دروغ دادن

نکته:

به برهم زدن نظم اجتماعی جرم گفته می شود که قانون گذار برای آن مجازات تعیین کرده است البته این طور نیست که هر برهم زدن نظم عمومی جرم باشد زیرا قانون گذار فقط آن برهم زدن نظم اجتماعی را جرم می نامد که از اهمیت بالایی برخوردار باشد پس کسی که زنا یا در خیابان می ریزد مجرم نیست هر چند نظم اجتماعی را برهم زده است.

طریق آمارگیری از جراثیم ← بهترین راه آمار گرفتن از طریق دستگاه ها و حکم های صادر شده است.

جبرائیل ← **طبیعی** ← جبرائیل که در تمام مکان ها جرم شناخته می شود مانند قتل که در تمام کشور ها جرم محسوب می شود.
 ← **قمار داری** ← جبرائیل که قانون گذار آن را وضع کرده و ممکن است در کشور دیگری جرم محسوب شود مثل ماهواره که در ایران جرم است و این قوانین بخاطر رعایت کردن مصالح می باشد.



ارتباط حقوق کیفری با حقوق عمومی و حقوق خصوصی

حقوق عمومی [حقوق اساسی، کیفری، اداری]
 اگر در جامعه جرم رخ دهد به عموم مرتبط است و لو جرم بین ۲ نفر باشد، پس حقوق کیفری زیر مجموعه حقوق عمومی است.
 اگر کسی حقوق اساسی را رعایت نکند مجازات آن در حقوق کیفری ذکر شده است، پس حقوق کیفری با حقوق اساسی در ارتباط است.

حقوق دولتی، مجموعه قوانین و مقرراتی که بران تأمین سازمان و نهاد های دولتی وضع شده است و در ارتباط کارکنان آن دولتی و حدود اختیارات آن را در حفظ مصالح دولت تنظیم می کند.

نکته: رابطه ای حقوق کیفری و ادار در دو طرفه است.
 حقوق کیفری با حقوق بین الملل عمومی هم در ارتباط است.

حقوق خصوصی I حقوق مدنی - حقوق تجاری []

برخی از حقوق مدنی با حقوق کیفری در ارتباط است. مثل اینکه شوهر نفقه همسر را ندهد که بعد از طی مراحل قانونی در برخی موارد به حقوق کیفری منتهی شود.
(حقوق تجاری مثل جعل چک - کلاهبرداری در زمان جنگ)
حقوق کیفری داخل در حقوق اده و حقوق الناس می شود.
← معاری ← قتل

نکته:

برای تمامی حقوق اخلاقی مجازات تعیین شده است بلکه برای موارد خاصی مجازات تعیین شده است.

حقوق جزای عمومی / کلیاتی که می توان بر روی تمامی حقوق پیدا کرد.
حقوق جزای اختصاصی
آیین دادرسی کیفری
کیفرشناسی (علم اعدای احکام)

تمامی جرائم باید دارای ۳ عنصر باشند:

- ۱- قانونی باید در قانون جرم باشد
- ۲- مادی کار را باید حتماً انجام داده باشد
- ۳- روانی جرائم باید به سوء قصد و نیت جرم باشند

نکته: برخی از موارد نیاز به برخی از عنضرها ندارد مثل قتل یعنی نیاز نیست که حتماً انجام داده شود بلکه شروع به انجام قتل هم جرم است.

- ✓ در حقوق و جزای خصوصی بحث دلیلی عملیاتی است و در آن برخی تصدیق ها وجود دارد.
- ✓ آیین دادرسی کیفری قواعدی را جهت تحقق و حکم جرائم مطرح می شود.
- ✓ دادگستری مجموعه ای از دادستانی، دادگاه، دادسرا و ... است.

حقوق کیفری [در روستخ حقوق کیفری از علوم دیگر استفاده می‌شود]

- ۱- علم جرم شناسی ← مجموعه‌ای از دانشهای کشف جرم
- علم سم شناسی
- پس علمی [تعیین نوع اسلحه، کاغذهای جعل و ...]
- پزشکی قانونی [تحقیق در مورد علل پدید آمدن از مرگ، بوق رفتن، جرائم جنسی و ...]

۲- علوم روانشناختی و روان پزشکی [سادت - تکوانی - ترس]

۳- علوم اجتماعی [تأثیر عوامل محیطی - قحطی - انقلاب - جنگ و شورش]

۴- علوم پزشکی [عوامل نه در جرم زایی تأثیر دارند]

نکته: جرم در اسلام هم شامل مباحث فردی می‌شود و هم شامل مباحث اجتماعی اما در جرم حقوقی مباحث اجتماعی پررنگ‌تر است از مباحث فردی و به مباحث فردی بخاطر ارتباط با مباحث اجتماعی محدود می‌شود.

تفاوت جرم کیفری و جرم مدنی [کیفری مثل قتل مدنی مثل به غیر حق ضرر و رابطه نیز مدنی است]

میران آن ضرر شود

۱- از لحاظ قانونی ← کیفری عموماً در قانون مشخص شده است اما مدنی هر نوع فعل زیان‌آور است که مبتنی بر تقصیر است که قانون‌گذار آن را مشخص کرده است.

۲- از لحاظ مادی ← جرم کیفری ملکی است متعلق از هر نوع ضرر و زیان باشد اما در جرم مدنی عموماً باید ضرر و زیان وارد شود کیفری مثل هل اسلم

۳- از لحاظ روانی ← جرم مدنی ملکی است مبتنی بر غیر و تقصیر باشد در جرم کیفری عموماً عمد و تقصیر هست.

۴- از حیث ضمانت اجرا ← در جرم کیفری ضمانت اجرا مجازات شخص است اما در جرم مدنی میران خسارت زیان دیده و یا رفع ضرر از افراد است.

تفاوت جرم کیفری با جرم انتظامی یا تأملی

جرم انتظامی ← نقض مقررات منفی یا نکرده‌ای که اشخاص به طبع عضویت در گروه آن مقررات را پذیرفته اند.

✓ در جرم انتظامی هیچ کدام از عناصر کیفری نیاز نیست

✓ مبرع رسیدگی به جرائم انتظامی دادگاه های مخصوص انتظامی است.

عناصر تشکیل دهنده جرم

← عنصر قانونی

← عنصر مادی

← عنصر روانی (معنوی)

مبحث عنصر ناحق را داخل کرده اند. با این مورد در جایی که تحقق بحق

کاری را انجام داده باشد جرم به حساب نمی آید.

این قسم چهارم در منبع موارد ذکر هست پس نیاز به ذکرش نیست.

چرا باید عنصر مادی به مردم بیان شود؟ یعنی گفته شود که فلان کار جرم است؟

زیرا در صورت عدم بیان، قبح بلا بیان است که یک مثلی عقلی است.

دلایل نیاز به عنصر قانونی :

۱- زیرا بر اساس اصل و قانون بودن مردم در رفتار خود سنجیده تر رفتار می کنند.

۲- کارشزاران حکومتی نیز آنها را از حقوق مجازاتی مجاوز کنند.

۳- تأمین عدالت می شود یعنی فرقی بین افراد از لحاظ مجازات وجود نخواهد داشت.

۴- تأمین آزادی است زیرا است انسانی اقتضای می کند که جرم آزادی های افراد متخلف و تبیین

شده باشد.

مقصور از عنصر قانونی چیست ؟

قوانین یا ← صورتی و قوانین نوشته شده

← ملل قانونی و نگاشته ی قوانین صورتی هستند

ملک قانونی
رویه قضایی [به مجموعه آراء و احکام که دادگاه صادر بر روی خاصی ارجاعی کنند]

→ به معنای عام [لازم اجراء نیست]

→ به معنای خاص [لازم اجراء است] ← وحدت رویه

→ آراء اصداری به فقط

برای دادگاهی که به آن ارجاع شده لازم الاجراء است.

عرف، عاداتی که بین مردم به عنوان یک قاعده الزام

آورده باشد، مثل عذر برای اشیاء قیمتی

ماده ۳۰۳ آیین دادرسی کیفری

→ منابع فقهری یا فغناوی معتبر مثل شافعی فرد سینز

عنصر قانونی

اصل، قانون بودن مجرم و مجازات است ← یعنی باید مجرم و مجازات در قانون مشخص شده باشد.

تفسیر مضیق قانونی [در موارد ابهام، اجال، تناقض و... قانون، با مجبور به تفسیر قانون

می شویم.] پس باید تفسیر ما دایره اش محدود باشد یعنی مضیق باشد.

پس باید دایره ای آن قانون را محدود کنیم. مثلاً ماده ۶۹۸ ق.م.ا.

که اگر بخواهیم آن را مضیق بگیریم باید بگوییم که مثلاً شامل تلویزیون نمی شود

پس قانون مضیق شد اما اگر وسیع بگیریم شامل تلویزیون هم می شود.

«باید قانون به وضع متهم تفسیر شود».

تفسیر ب نفع متهم
تفسیر لفظی [در همه جا کارایی ندارد] و مادر چهار چوب الفاظ متن قانون

منحصر هستیم. یعنی منیم دقیقاً قانون تزار چه چیزی بیان کرده

→ تفسیر غایی و خاصی باید گوشه اند که نیست واقعی و عرض اصلی قانون

تزار را دریابید. در این مورد ممکن است قانون به ضرر متهم

باشد. یعنی اگر مثلاً در زمان قانون تزار تلویزیون بود، آن را

هم در قانون می آورد ولی چون نبود ذکر نشده است.

→ تفسیر قیاسی و موارد مورد نظر را با موارد مشابه که در قانون به عنوان

مجرم ذکر شده قیاس کنیم البته در صورتی که توان قیاس را

جاری کرد که علت جرم بودن ذکر شده باشد و هم در غیر این صورت قیاس جاری است.
[میان دیگر، سببیت دادن حکم مصدع در قانون به موضوعی مکتوت الحکم به حیث علی مستترک]
مثلاً این قانون گذار مصروف سوار خودرو باشد تریاک و ... را ممنوع اعلام کرده است اما پس از گذشت
زمان ماده‌ی دیگری به نام شیشه وارد بازار می‌شود در این صورت اگر بخواهیم این ماده‌ی توهم زار را
در ماده قانون قرار دهیم به این تفسیر قیاسی گفته می‌شود.

یک اصل در قوانین کیفری و مدنی:

حکم عطف به ما سبق نمی‌شود مگر اینکه در قانون مقررات خاصی در باره این موضوع اتخاذ شده باشد
بدلیل قوانین جدید نمی‌شود رفتارهای گذشته را مورد مواخذه گذاشت. اصل ۱۶۹ ق. اساسی
ماده ۱۰ ق. مجازات اسلامی.

مثلاً آن شخص در سال ۱۳۹۰ آب دهان بزرگین انداخته باشد و در سال ۱۳۹۱ این کار جرم باشد این
شخص را به خاطر کاری که در سال ۱۳۹۰ انجام داده است مجازات نمی‌کند.

توانین شکلی: قوانینی که به تعدیل جرم و میزان مسئولیت کیفری مدتی جرم ورود نداشته و
ناظر به تعقیب جرم، جریان دادرسی، طرق استراض به احکام و قراردادهای
کیفری است. [توانین که به شکل رسیدگی و دست آوردن حق و تکلیف می‌پردازد]
ماهوی: قوانینی که حق و یا تکلیف را ایجاد می‌کند.

این اصل مدتی به قوانین ماهوی است مگر در چند مورد. بین قوانین شکلی نوعاً عطف به ما سبق می‌شوند.
درهایی که عطف به ما سبق جایز نیست قوانین جدید جاری نمی‌شود بلکه طبق قانون قدیم حکم می‌کنیم
و درهایی که عطف به ما سبق جایز باشد از قانون جدید استفاده می‌کنیم.

۱. استثنائات ماهوی [عطف به ما سبق می‌شود]: این استثنائات در قوانین وقت جاری می‌شود.

۱- درهایی که تخفیف در کار باشد

۲- در لغو مجازات دهرم زدایی

۳. مساعد به حال مذکور باشد [در تخفیف فقط به جنب مجازات نگاه می‌کرد اما در این مورد وضعیت مستقیم در نظر است].

نکته:

در جرم زراعی اثر رقیه در گذشته جرم بوده است و موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود، حکم قطعی اگر صادر شده باشد، حکم قطعی اجرا نمی‌شود، و اگر در جریان اجراء باشد اجرا متوقف می‌شود و اگر اجراء شده باشد اثر کفری حذف می‌شود.

سوال برای تخفیف ← قانون ۱۰ مجازات اسلامی بند ۱: اگر مجازات جرم به موجب قانون لاحق تخفیف یابد قاضی اجرای احکام موظف است قبل از شروع اجراء یا در حین اجراء از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم نیز می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا نماید. دادگاه صادرکننده حکم با لحاظ قانون لاحق، مجازات قبلی را تخفیف می‌دهد.

جرم مستند ← دانی که عناصر جرم به یکباره بوجود می‌آیند و آثار آن ادامه دارد مثل دیوار گچی که برای مدتی دیوار کشیده شده و به آثار ادامه دارد است.
بیاییم به سؤالی فاعل هر لحظه تجدید می‌شود مثل اینکه تخفیف لباس تقاضا می‌کند و پوشیدن و درختن آوردن.

نکته: آخی

در جرائم عطف به ماسبق نمی‌شود و جرائم مستند دائمی عطف به جرائم آخی می‌شوند.
اگر تخفیف جرم یا به انجام دهد که در سال ۱۳۹۲ جرم نبوده و در ۱۳۹۶ جرم شده اگر این کار را ادامه دارد و به قانون جدید رسید قانون جدید بر این تخفیف حاکم است.
اگر در قانون جدید برای جرم زمان مشخصی در نظر گرفته شده باشد باید این جرم هم در زمان جدید انجام شود و نه زمان جرائم ماقبل را به آن عطف کرد. مثلاً قانون جدید بگوید اگر تخفیف تا ۲ سال فلان کار را انجام دهد فلان جرم را دارد، حال تخفیف فلان کار را یکسال در قانون قدیم انجام داده و یکسال در قانون جدید، این حکم شامل این تخفیف نمی‌شود.

جرم به عادت
یعنی آنقدر شخص آن جرم را مرتکب شود که توسط آن عادت کرده است. مثلاً اگر فردش اسوار
مدرقه عادت شود فلان مجازات را دارد.

نکته:

توانش شخصی عطف به ماسبق می‌شوند [ماده ۱۱ ق. ۱۰.۲]

توانش شخصی ← قوانین مربوط به تکلیات و صلاحیت
← تکلیات سابق منحل شده پس طبق تکلیات جدید
پرونده رسیدگی می‌شود.
قوانین مربوط به نحوه دادرسی: طبق قانون
جدید اجرا می‌شود مثلاً اگر در مرور زمان ۱۰
سال بود در قانون جدید ۸ سال بلافاصله
۸ سال اجمال می‌شود، البته در صورتی عطف به ماسبق
می‌شود که به نفع متهم باشد.

موانع مسئولیت کیفری:

- ۱- عوامل موجه جرم: (اسباب عینی) مثل اضطراب، رضایت مجنی علیه، دفاع مشروع، حکم قانون را امر امر و...
- ۲- عوامل رافع مسئولیت: (اسباب شخص) مثل جنون، صغیر بودن و...
- ۳- معاذیر قانونی: قانون گذار بخاطر مصلحت مجرم را مجازات نمی‌کند مثل همکاری شخص با پلیس و...

نکته: در مورد ادعای عنصر قانونی زائل می‌شود و می‌شود در درمی عنصر قانونی زائل نشده بلکه بخاطر مشکل شخص، شخص را
مجازات نمی‌کنیم.

تفاوت الراه و اضطراب

در الراه تحریک مستقیم برای وادار کردن شخص به انجام کاری وجود دارد اما در اضطراب تحریک غیر از ناله
شخص رنجش بلکه در شقی اوضاع و احوال خاصی است که بر شخص فشار می‌آورد مثل تنگدستی، بیکاری،
بیماری، بزهکاری و...

نکته: اضطراب ناجایی جایز است که منجر به قتل نشود پس در این صورت جرم نیست اما توابع آن مانند ضمان و... را باید دنبال دارد یعنی اگر خسارتی رخ داده باشد از شخص گرفته می‌شود. ماده

۱۵۲ ق. م. ۱۰ اسلامی

نکته: افرادی که در مقابل خطر احتمالی تعدد داده اند نمی‌توانند بخاطر اضطراب از آن دوری کنند مانند آتش نشانی که نمی‌تواند بگوید من از این ساختمان در حال سوختن دوری می‌کنم چون اضطرابی برای من حاصل شده.

حکم قانون و امر آمر قانونی و اجازه ماده ۱۵۸ ق. م. ۱۰ اسلامی

حکم قانونی و یعنی قانون گذار اجازه به محلی داده و برای انجام دوباره‌ای آن به اجازه‌ی جدیدی نیاز نیست مثل دستگیری سارق

امر آمر قانونی و علاوه بر حکم قانونی باید یک فرد هم به شخص امر کرده باشد تا آن فرد آن کار را انجام دهد مثل ورود به منزل جهت تعقیب

اجازه قانونی و خود قانون به ما اجازه داده تا در صورت قانونی محلی را انجام دهیم مثل آب کردن کودک.

رضایت جنینی علیه

در برخی موارد رضایت جنینی علیه جرم بودن محل را برمی‌دارد مثل اینکه اجازه دهم تا مال مرا بزدند.

نکته:

در برخی از موارد علاوه بر رضایت نیاز به برائت هم هست مانند محل جراحی که پزشک اگر از من رضایت نامه بگیرد این محل برای او صلاح است اما اگر بر من ضارت وارد کند باید جبران ضارت کند ولی اگر هم رضایت و هم برائت بگیرد دیگر پزشک در صورتی که کوتاهی نکرده باشد و تمام تلاش خود را به کار برده باشد ضامن نیست. اصل این است که رضایت جرم را زایل نمی‌کند مگر اینکه عناصر تکمیل دهنده جرم را زایل کند یا اینکه رضایت شرط اجازه ای باشد که قانون گذار آن اجازه را داده باشد.

عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن: ماده ۱۵۸ ق. م. ۱۰ اسلامی

عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن معافات ندارد مشروط بر اینکه سبب حادثه نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد.

نکته: برای ورزش تعریف خاصی در قانون مقرر نشده است و باید به عرف عام رجوع کرد.

یا مالی است یا جانی

حوادث ناشی

یا به ورزشکار است و یا به سایرین

ماده ۱۵۸ ق.م.ا.اسلامی ورزشکار را شامل می شود و سایر افراد مانند تماشاگران را شامل نمی شود.

شروط عملیات ورزشی

۱- در آشنای ورزش باشد

۲- آن محل جزء حرکات آن ورزش باشد

۳- خود ورزش باعث نقض مقررات نگردد.

مثل مسابقات اتومبیل رانی که نمی توان آن را توسط ضوابط برکنار کرد بلکه باید در مکان مشخص شده برگزار شود.

نقض مقررات یا از جانب ورزشکار است و خود ورزشکار مقصد است و مجازات می شود.

از جانب مسئولین است و ورزشکار علم به نقض دارد: خود ورزشکار مقصد است.
۴- این ورزش و مقررات مغایر موازین شرعی نباشد.
و ورزشکار علم به نقض ندارد: مسئولین مقصد هستند.

سوال: آیا این ماده به صورت عام وضع شده و یا به صورت خاص [یعنی اگر در حین ورزش منازعه به نقض وارد شد آیا این ماده هم مجازات را برمی دارد و هم دیه را و یا فقط مجازات را برمی دارد و ورزشکار باید دیه را پرداخت کند.

جواب: این ماده قاننی فقط مجازات را برمی دارد و ورزشکار باید دیه را پرداخت کند پس این ماده به صورت خاص وضع شده است.

دفاع مشروع : ۱۵۶ ق.م. اسلامی

هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی من خود یا دیگری [در برابر حمله مجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع با رعایت مراحل دفاع] مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود با رعایت شروط مجازات نمی شود.

نکته:

اگر شخصی می تواند از خود دفاع کند از خودش دفاع نکند و بر او حرام است و اگر در خارج ضامن است و نمی تواند بگوید خود را دفاع نکند.
اگر شخصی بر شخص دیگری جنایت وارد کرد و شخص مجروح می تواند به بیمارستان رجوع کند ولی با این حال رجوع نکند، شخص خارج ضامن است.

شرایط دفاع مشروع

۱- مجاوز فعلی یا قریب الوقوع باشد مثل اینکه شخص به شما حمله و یا در حکم حمله باشد [من مجاوزی را که در آینده صورت می گیرد شامل نمی شود]. هم چنین اگر مجاوز رخ داده و شما بعد از آن متوجه شده اید این دیگر دفاع نیست بلکه مجازات است. مثلاً شما بعد از مجاوز به دختر حساسه شخص مجاوز را کتک بزنید.

سوال: اگر شخصی می تواند فرار کند آیا دفاع واجب است و یا اینکه باید فرار کند؟

جواب: در دفاع مشروع فرار نکردن هیچ ضرورتی ندارد بلکه حتی شخص می تواند متغیرب می قتل شود.

۲- رعایت مراتب دفاع یعنی همان اول کار شخص را نمی توان کشت.

سوال: اگر نتوان مراتب دفاع را رعایت کرد مثلاً همان اول کار شخص را کشت حکم چیست؟

جواب: در این صورت باید شخص قاضی را متقاعد کند که این راهی که انتخاب کرده ام بهترین راه بوده است.

نکته:

اگر بتوان سبب مجاوز را از مجاوز گرفت دیگر اقدامات بعدی تحت دفاع نمی آید؛ مثلاً شما چاقو را از مجاوز بگیرید و او دیگر هیچ کاری نتواند بکند. اگر شما در این حالت به او ضربی اضافه ایمی بزنید این دیگر دفاع نیست.

۳- مجاوز غیر قانونی باشد [من مثلاً در جامی که پلیس حکم جلب و دستگیری فردی را دارد دفاع مشروع معذور ندارد].

۴- دفاع باید ضرورت داشته باشد که مثلاً در جایی که نیروی انتظامی در ۲۰ متری شما هستند دفاع معنا ندارد بلکه با کوچکترین اشتباه مأمورین مراعات می کنند.

۵- دفاع برای رفع تجاوز و خطر ناشی از رفتار غیر باشد.
یعنی شما برای رد تجاوز ابتدایی از خود دفاع کنید پس در جایی که اول من تجاوز کرده ام و بعد دیگری به من حمله کرده دیگر برای من دفاع معنا ندارد مثل حمل دزد که دفاع برای دزد معنی ندارد زیرا او اول تجاوز کرده است.

انواع تجاوز

تجاوز یا به نفس است اعم از فعل و یا ترک فعل فعل مثل علم به شخص، ترک فعل مثل غذا ندادن به شخص

به مال است چه منقول و چه غیر منقول مال چه بخواهد بدزد و یا اینکه غصب کند
تجاوز به عرض و آبرو مثل الفاظ رکیک گفتن به شخص یا مثل خشن کردن عکسهای شخص
تجاوز به ناموس بین رابطه نامشروع جنسی با غیر به زور
تجاوز به آزادی هر کاری که انسان را از آزادی منع کند

سوال: دفاع در مقابل الفاظ رکیک چیست؟

جواب: در این مورد باید به عرف رجوع کرد.

نکته مهم: در دفاع مشروع علاوه بر اینکه جرم نیست هیچ گونه مسئولیت مدنی هم ندارد یعنی دیه ندارد، زنران ندارد و...

در دفاع مشروع اگر شخص از دفاع تعوی کرد یعنی مثلاً فقط قطع کردن دست کافه بود و من شخص پای سباز را هم قطع کرد در این جا این پای قطع شده فقط دیه دارد.

عنصر مادی:

عنصر مادی یعنی رفتار و حالت

حالت : مثل اینکه قانون نذار برای حالت اعتیاد مجازاتی را گذاشته باشد.

فیزیکی : مثل قتل

غیر فیزیکی : مثل دزدیدن که منجر به قتل نمی شود

حفظ : مثل ترک کمک به مصومین

ناشی از فعل : مثل اینکه شخصی را زدن نمی کنم و به او غذا ندم در این جا غذا دادن

بر من واجب نبوده ولی چون شخصی را زدن کرده ام این غذا دادن بر

من واجب شده پس این ترک فعل در اثر انجام فعل من بوده است.

ناشی از تعویذ یعنی شخصی داده ولی آن تعویذ را ترک کرده است.

ماده ۲۹۵ ق.م.ا. اسلامی

مثل جات غریقه کم به وظیفی خود محل نلند

در فتا ر مادی از حیث دوام

۱- آخی : مثل خفه کردن ، ضرب و جرم ، سرقت و ... ق.م.ا. اسلامی

۲- مستمر : مثل پوشیدن لباس نپوشیدن نظامی بدون مجوز ، اخفای مال مسروقه و ... ماده ۶۶۲

فائده می تقسیم

۱ از حیث رسیدگی به جرم : در جرم آنی فقط حوزه قضایی می تواند به پرونده رسیدگی کند که این جرم آنی

در آن حوزه اتفاق افتاده باشد. اما در جرم مستمر هر حوزه می

قضایی که این جرم در آن اتفاق افتاده است می تواند به این پرونده

رسیدگی کند. مثال حوزه قضایی ۱ حوزه قضایی ۲

من آمد در حوزه قضایی ۱ لباس نظامی را پوشیده و در حوزه قضایی ۲

رفته باشم ، هم حوزه قضایی ۱ و هم حوزه قضایی ۲ صلاحیت رسیدگی

به جرم را دارند.

۲ از حیث مرور زمان : در جرم آنی از همان لحظه بعد از جرم مرور زمان شروع می شود و در جرم

مستمر از زمانی که شخص از جرم دست کشد مرور زمان آن شروع می شود یعنی

اگر شخصی ۳ سال این جرم را انجام می داده مرور زمان از بعد از ۳ سال

شروع می شود نه از همان شروع به جرم.

۱۳ از حیث عطف ماسبق [یعنی از حیث تأثیر قانون جدید] : در جرم آنی مجازات در زمان خورش انجام می شود اما در جرم مستغرق قانون جدید شامل آن می شود البتہ در صورتی کہ این جرم مستغرق نباشد .

رفتار مادی از حیث شمار

رفتار مادی [آنی - مستغرق] از حیث شمار : جرم ساده : از یک فعل تشکیل شده مثل سرقت ، پوشیدن لباس نیروی اشخاص
جرم مرکب : (انجام افعال متفاوت)
جرم غیر ساده : جرم مرکب : جرم مرکب
مثال : ملاحظہ فرمایید کہ تشکیل شده از
(۱) توسل به وسایل متعلقات
(۲) حفظ مال
جرم عادت : (تکرار فعل معین)
مثال : تکرار کتبی نوی را حرفه ای خود
کمالا ملاحظہ فرمایید .
در جرم ساده مرور زمان از بعد از فعل شروع می شود
اما در جرم مرکب مرور زمان از زمانی شروع می شود
کہ تحقق فعل را به پایان رسانده باشد حال ممکن است
از لحاظی شروع تا پایان آن یکسال طول بکشد مانند
کمالا ملاحظہ فرمایید .

قرار می دهد ماده ۷۱۲ و ۷۰۸

ق.م.۱۰ اسلام

هم چنین در جرم عادت مرور زمان از بعد از عادت

تحقق شروع می شود پس اگر یک بار جرم را مرتکب شده باشد
مرور زمان ، زمانی شروع می شود کہ تحقق چند بار دیگر مرتکب آن شود کہ به آن عادت کند و بعد
از عادت مرور زمان شامل آن می شود .

نتیجہ رفتار مادی

جرم یا : مطلق است (بدون نتیجہ) ۵۱۸ و ۵۱۹ ق.م.۱۰ اسلام یعنی نیاز نیست فعل انجام شود یا
بلویم جرم است مثل قتل رئیس جمهور کہ حتی نقضی قتل رئیس
جمهور جرم است ولو آنکہ هنوز اقدام به قتل نکرده اید .
مقتدر است (به نتیجہ) باید حتماً فعل انجام شود تا جرم باشد مثل قتل قدرعاری
کہ تا او را نلغته اید جرم مرتکب نشده اید ولو آنکہ مقتدرات
را حاصل کرده اید .

تقسیم به جرم ← اعمال متعدیات ← اعمال اجرائی ← جرم [تقسیم]
در بعضی موارد تقسیم برای جرم و جرم محسوب می شود ولی گاهی اوقات اعمال اجرائی هم جرم است
چه رسد به تقسیم به جرم بلکه باید حتما جرم انجام شود.
مثل نقشه برداری بر اندازی نظام که جرم است اما اقدام برای در دس مثل انگیزه نردبان را به دیوار
تکلیف دهد و از دیوار بالا رود که در این جا جرم نیست اما قابل پیگیری است.

اگر شخص تمام مراحل را طی کرد اما جرم محقق نشد در این صورت اسلامی
یا ← جرم محال است: یعنی اصلاً جرم امکان نداشته مثل شلیک به هوازه تبصره ماده ۱۳۲ ق.م.
← جرم عقیم است: یعنی جرم امکان داشته اما شخص نتوانسته آن را انجام دهد مثل
عدم محاربت در انجام جرم. در این مورد ماده قانونی وجود ندارد.